

بررسی مقایسه ای زمینه های اقتصادی تولید در گروه های عشایری
و گرایش آنان به تغییر و تحول در شیوه تولید عشایری:
مطالعه موردی ایل جلالی - شمال غرب کشور

دکتر مسعود منصوری *

دانشگاه ارومیه

چکیده

ما امروزه با سه گروه عشایری در ارتباط هستیم: الف: گروه عشایری که به طور دائم اسکان یافته اند. ب: گروه عشایری که در انتظار فرصت اسکان هستند. ج: گروه عشایری که در حال حاضر به کوچ ادامه می دهند. شکل گیری الگوهای معیشتی فوق در هر منطقه جغرافیایی تحت تأثیر عواملی چون: اقلیم، توپوگرافی، پوشش گیاهی، ضرورت های اقتصادی - اجتماعی - اداری و امنیتی می باشند. در این پژوهش ابتدا سعی شده است که مشخصه های جمعیتی، تولیدی، ساختار درآمد و هزینه به تفکیک زیر بخش های تولیدی گروه های سه گانه فوق در قالب یک مطالعه میدانی در ایل جلالی (ایل غالب شمال غرب استان مرزی آذربایجان غربی) مورد بررسی مقایسه ای قرار گیرد. این بررسی حکایت از بنیان ضعیف اقتصادی گروه کوچرو در مقایسه با سایر گروه ها در سطح معنی دار آماری دارد. نکته محوری مقاله در این است که شیوه تولید عشایری، هماهنگی خود را با مقتضیات زمان از دست داده است و این شیوه تولید باید متحول شود. قبل از هر گونه تغییر و تحول جای آن دارد که شیوه تولید و متغیرهای اساسی و تعریف کننده آن را شناخت و با توجه به ابعاد اثباتی و هنجاری، مبانی عینی و ذهنی لازم جهت تحول در زندگی عشایری را فراهم کرد. از این رو علاوه بر شناخت ویژگی های ساختاری، معرفت همه سو نگر از روحيات، انگیزه ها و تمایلات عشایر در خصوص مسایل مبتلا به ویژه مقوله تغییر و تحول در شیوه تولید، رجحان سرمایه گذاری و جایگزینی دامسرداری های بسته و متمرکز، شایان هرگونه دقت و تأمل می باشد. مطالعه حاضر به این نتیجه دست می یابد که عشایر مورد مطالعه با تأکید بر عدم گسیختگی وابستگی ایلی، گرایش در مجموع مثبت، برای دگرگونی در شیوه تولید عشایری را دارا می باشند.

واژه های کلیدی: ۱. گروه های عشایری ۲. اقتصاد تولید عشایری ۳. گرایش به تغییر ۴. ایل جلالی.

۱. مقدمه

بررسی نظام زندگی عشایر مبین آن است که بنیان اقتصادی این نظام بر تولیدات دامی قرار دارد و دامپروری اساس اشتغال، منبع تأمین درآمد و یکی از علل بقای جامعه می باشد. دامپروری عشایری بر مبنای استفاده از مرتع پایریزی شده است. مثلث انسان - دام - مرتع، پایه و شالوده زندگی عشایری را تشکیل می دهد.

* استادیار گروه اقتصاد

در کشور ما، جامعه عشایری به عنوان جامعه سوم در کنار جامعه شهری و روستایی مطرح گردیده است که به دلیل ویژگی‌های خاص معیشتی و فرهنگی خود، کوچندگی را به دنبال داشته است و عملاً از دو جامعه دیگر متمایز می‌شود (شیخی، ۱۳۶۹).

جامعه عشایر کوچنده با ۱/۲ میلیون نفر (متشکل از ۹۶ ایل و ۵۴۷ طایفه مستقل) معادل ۲/۵٪ جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد. عشایر کوچنده با حدود ۱۷ میلیون واحد دامی حدود ۲۵٪ واحد دامی کشور را دارا می‌باشند. که از این تعداد، ۲۲٪ گوسفند و بره و ۲۳٪ بز و بزغاله و ۳٪ گاو کشور را شامل می‌شود و بالغ بر ۲۷/۲٪ ارزش افزوده دامپروری کشور از آن دام عشایر می‌باشد (بیانیه و پیام‌های کنفرانس بین‌المللی عشایر، ۱۳۷۱).

سه چهارم سطح فلات ایران را علفزارهای فقیر و بیابان‌های خشک تشکیل می‌دهد، که طبق برآوردهای انجام شده کل مساحت مراتع ایران ۹۰ میلیون هکتار است، و مقدار تولید کل علوفه خشک این مراتع ۱۰ میلیون تن می‌باشد. بر اساس جیره متوسط یک واحد دامی (سالانه ۶۳۹ کیلوگرم) این تولید، می‌تواند ۱۶ میلیون واحد دامی را در هر دوره تغذیه کند. با توجه به سه دوره در هر سال «یلاق - قشلاق - میان بند» مراتع ایرانی می‌توانند ۴۸ میلیون واحد دامی را تغذیه کنند. در حال حاضر حدود ۶۰ میلیون واحد دامی، یعنی ۱۲ میلیون رأس دام، اضافه بر حداکثر برداشت مجاز، از مراتع تغذیه می‌کنند و این برداشت اضافی نامطلوب باعث تخریب و صحرایی شدن مراتع می‌شود. تخریب مراتع اگر با آهنگ کنونی ادامه یابد، دامداری، بخش کشاورزی و به طور کلی اقتصاد کشور و با به تعبیری بستر حیات را با بحرانی جدی و دامنه‌دار مواجه می‌کند (نجفی، ۱۳۶۹).

از آنجا که پایه اقتصادی عشایر کوچنده متکی بر مرتع است، هر نوع تغییر و تحول در قلمرو مراتع عشایری، بر زندگی عشایر کوچنده تأثیر مستقیم و تعیین کننده‌ای دارد. اگر خواسته شود در عین بهره‌برداری حداکثر مراتع، از انهدام آنها جلوگیری شود، باید تعادل بین دام و مرتع عشایری برقرار گردد. در این صورت تعداد دام و به تبع آن تعداد جمعیت عشایر کوچنده باید با پتانسیل بهره‌برداری از مراتع عشایر متناسب باشد.

بر اساس بیانیه کنفرانس بین‌المللی عشایر (شهرکرد، شهریور ۱۳۷۱)، جمعیت عشایر کوچنده ایران به فرض عدم اسکان تا سال ۱۳۹۰ شمسی به حدود ۳۲۰ هزار خانوار خواهد رسید، بنابراین در طی این مدت حداقل ۱۲۰ تا ۱۴۰ هزار خانوار عشایر کوچنده قادر نخواهند بود که بر پایه دامداری متکی بر مرتع امرار معاش نمایند و لازم است، زندگی در کوچ را ترک گفته و به سمت سایر فعالیت‌های اقتصادی که انجامشان به هر حال نوعی اسکان و یکجانشینی را طلب می‌نماید روی آورند. در این صورت لازم است زمینه یکجانشینی و اسکان مازاد جمعیت عشایر کوچنده در هر منطقه ایلی به کمک سازماندهی قضایی و استقرار فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی غیروابسته به مرتع فراهم شود.

انگاره محوری در مقوله تحول زندگی اقتصادی - اجتماعی عشایر در این است که شیوه تولید عشایری، هماهنگی خود را با مقتضیات زمان از دست داده و بحث در مورد تغییر در شیوه تولید است (کیاوند، ۱۳۶۹). قبل از هر گونه تغییر و تحول جای آن دارد که ابتدا شیوه تولید عشایری و متغیرهای اساسی تعریف کننده آن را شناخت (صفری، ۱۳۶۹). با در نظر گرفتن اینکه انجام هر حرکت و تحول در راستای بهبود وضعیت جامعه عشایری کشور، مستلزم شناخت و آگاهی نسبت به وضعیت موجود این جامعه است، بنابراین بررسی وضع موجود، ویژگی‌های جمعیتی و اقتصادی عشایر کشور، نقطه آغازین برنامه‌ریزی جهت هر گونه گرایش متعالی و تحولی برای این قشر اجتماعی است (قنبری، ۱۳۶۷). با توجه به بعد هنجاری، برداشت از توسعه و بعد اثباتی (محدودیت‌ها شامل تکنیک پایین، نرخ رشد بالای جمعیت، فشار اکولوژیک، بافت ابتدایی اجتماع، وابستگی به محیط بین‌المللی و چندگانگی ساختاری جامعه عشایری)، فراهم سازی مبانی ذهنی و عینی برای تحول زندگی عشایر یک ضرورت می‌باشد (چلبی و عبداللهی، ۱۳۷۱).

امروزه ما با سه گروه عشایری در ارتباط هستیم: الف- گروه عشایری که به طور دائم اسکان یافته‌اند؛ ب- گروه عشایری که در انتظار فرصت اسکان هستند؛ ج- گروه عشایری که در حال حاضر به کوچ ادامه می‌دهند (احتشامی، ۱۳۷۱). شکل گیری الگوهای فوق در هر منطقه جغرافیایی تحت تأثیر عوامل طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، اداری و امنیتی می‌باشد (اسکندری‌نیا، ۱۳۶۶ و منصوری، ۱۳۷۱).

هدف این تحقیق آن است که در گام نخست ویژگی های ساختار تولید و درآمد عشایر به تفکیک گروه های فوق در یکی از ایلات شمال غرب کشور (ایل جلالی) مستقر در استان مرزی آذربایجان غربی به صورت یک بررسی مقایسه‌ای، به روز گردد و همچنین معرفت همه سونگر از روحیات، انگیزه ها و تمایلات عشایر در هر یک از گروه های فوق در خصوص مسایل حال و آینده زندگی اقتصادی عشایری، در این منطقه از جغرافیای ایران به دست آید.

در واقع قصد این تحقیق، شناسایی ویژگی های ساختاری، شیوه تولید و متغیرهای اساسی و تعریف کننده آن یا به عبارت دیگر دستیابی به بعد اثباتی معیشت عشایر ایل مورد مطالعه می باشد. فراسوی شناخت بنیان تولید عشایری، معرفت همه سونگر از روحیات، انگیزه ها و تمایلات عشایر در خصوص مسایل مبتلا به و همچنین مقوله تغییر و تحول در شیوه تولید، رجحان سرمایه گذاری و جایگزینی دامداری های بسته و متمرکز، دستیابی به ابعاد هنجاری معیشت عشایری به تفکیک گروه های غالب عشایری: عشایر کوچرو، عشایر نیمه اسکان یافته و عشایر اسکان یافته ایل جلالی، اهداف تحقیق حاضر را تشکیل می دهد.

برای نیل به اهداف تحقیق با توجه به ره آوردهای مطالعات پیشین و همچنین پنداشته های تغییر و تحول در شیوه های معیشت عشایری، پرسش های تحقیق به شرح زیر طرح ریزی گردید:

۱. آیا بنیان اقتصادی گروه های مختلف عشایر از همانندی برخوردارند؟
 ۲. نگرش خانوارهای عشایری در گروه های عشایری در پیرامون عمده مسایل مبتلا به زندگی عشایر چه می باشد؟
 ۳. نگرش خانواده های عشایری در گروه های عشایری در رابطه با تغییر و تحول شیوه تولید عشایر، چیست؟
- یافتن پاسخ به مجموعه پرسش های فوق هسته اصلی تحقیق حاضر را تشکیل می دهد.

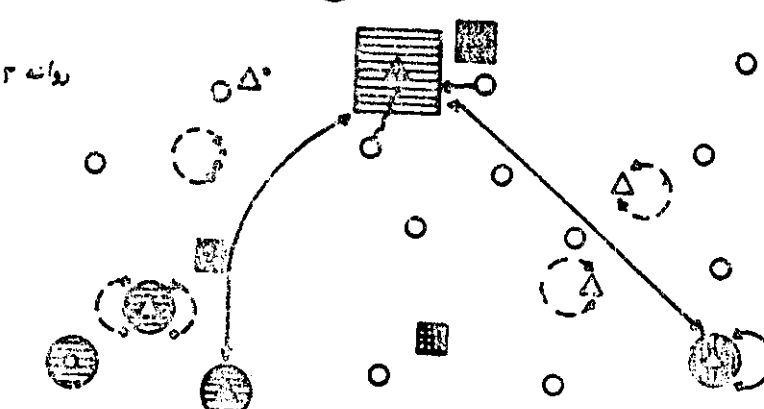
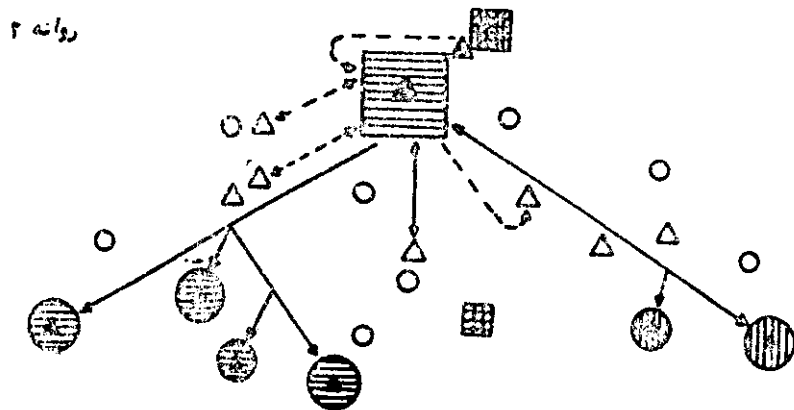
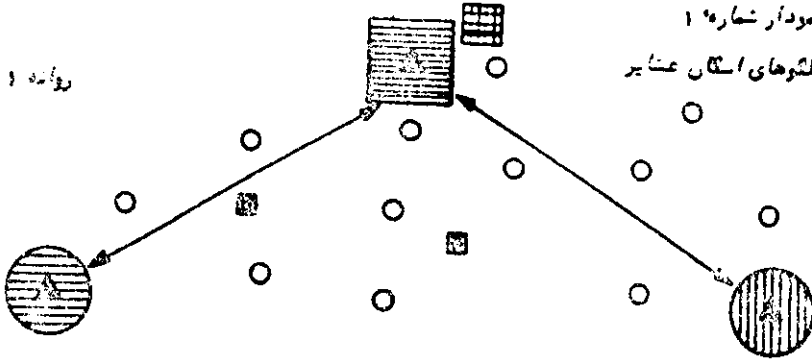
۲. مروری بر مطالعات پیشین و پنداشته ها

در خصوص عشایر با تأکید بر پدیده اسکان و گروه های عشایری مطالب بسیاری نوشته و مطالعات زیادی انجام شده است. در مورد مقوله سنجش نگرش عشایر نسبت به مسایل مبتلا به و آینده زندگی عشایر در حاشیه مطالعات اشاراتی بدان شده است. با سیری در ادبیات تحقیق به ویژه مطالعات پیشین در دو دهه اخیر موارد زیر مورد استناد می باشد:

اهلرز (۱۹۸۰) در کتاب جامع خود تحت عنوان *ایران در قسمت بخش های سنتی اقتصاد در مبحث عشایر*، روانه اسکان را در الگوی سه مرحله ای بیان می دارد (نمودار ۱). در الگوی روانه اول صحرائنشینی به معنای اخص وجود دارد و چادرنشینی شیوه عام سکونت است. رابطه ویژه ای با روستا و شهر وجود ندارد، مسیر کوچ معمولاً طولانی بوده و با نظم مشخص از مراتع زمستانی به سوی مراتع تابستانی و بالعکس جریان دارد. الگوی روانه دوم با از بین رفتن تدریجی هویت اصلی چادرنشینی مشخص می شود، مسافت کوچ کوتاه تر می گردد و شیوه سکونت از چادرنشینی به سکونت گاه های فصلی در دهات عشایری تبدیل می شود. در بعضی موارد اسکان دائمی در روستاهای عشایری و یا حتی در روستاهای دیگر منطقه صورت می گیرد. این عشایر در صورت امکان، صاحب زمین زراعتی می شوند و به زراعت می پردازند و لزوماً به فعالیت های خدماتی توسل می جویند. الگوی روانه سوم زمانی تحقق می یابد که ستون دوم اقتصاد ایلات یعنی مراتع ییلاقی در برابر پرسش قرار می گیرند. به علت توسعه زمین های زیر کشت و یا لزوم استفاده دهقانان از مراتع عرصه برای چادرنشینی تنگ می شود و لزوماً تدابیر اسکان را اتخاذ می کنند. کشاورزی جایگزین مرتعداری می گردد، دهات عشایری به دهات سنتی تبدیل می شود و با ارایه خدمات کار به عنوان کارگری در مناطق روستایی و شهری و تداوم آن موجبات ادغام تدریجی عشایر در جوامع روستایی و شهری فراهم می شود.

در دو دهه اخیر (دهه های شصت و هفتاد) دو همایش ملی و بین المللی به ترتیب در اسفند ۱۳۶۹ در دانشگاه شیراز تحت عنوان *سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر و کنفرانس بین المللی عشایر و توسعه* در شهریور ماه ۱۳۷۱ در دانشگاه شهرکرد تشکیل یافته است. مقالات ارایه شده در این دو همایش گزیده ای از آخرین مطالعات انجام شده، به وسیله محققان ایرانی و خارجی در زمینه مورد بحث این مقاله می باشد.

شماره شماره ۱
الشوهای استان عشایر



- مراکز شهری
- مراکز روستایی
- △ عشایر کرجید، جادرستین
- ▣ مراکز روستایی با عشایر استان باغ
- ◉ میر طولاسی کوچ عشایر
- ◐ میر کوتاه کوچ عشایر
- ◑ میر کرمان کوچ دهقانان
- ▨ مراکز روستایی ایلات - الف و ب

از جمله این مطالب در رابطه مستقیم موضوع تحقیق حاضر، بررسی اسکان عشایر از دیدگاه جامعه شناسی توسعه به وسیله چلیبی و عبداللهی (۱۳۷۱) می باشد. در این مطالعه با توجه به بعد هنجاری، برداشت توسعه و بعد اثباتی ضرورت اسکان عشایر ایران مطرح شده است. بحث ضرورت تغییر و تحول در شیوه تولید عشایر مورد تأیید و توصیه کیاوند (۱۳۷۰) می باشد. انجام کوشش هایی برای تسریع توسعه اقتصادی عشایر ایران با تأکید بر فن آوری و برنامه ریزی متمرکز، مورد تأکید محققان عشایری است (عمادی، باودین و فیشر، ۱۳۷۱). این محققین بر انجام اقدام پژوهشی^۱ به عنوان رهیافتی برای توسعه عشایری ایران تأکید دارند، آنان بر این باور هستند که همکاری جمعیت عشایری برای شناسایی مسایل و کندوکاو ابعاد مسایل برای یافتن راه حل های ممکن، لازم می باشد. پاره ای دیگر از محققین عشایری به دانش توأم «ضمنی و صریح»^۲ در توسعه عشایر کوچنده اصرار می ورزند و عقیده دارند که گفتگو و مشارکت محققان عشایر راه حل مناسبی برای مسأله کاری و حل مسایل مبتلابه جامعه عشایری می باشد. باور اساسی این تعداد از محققین این است که انسان ها از طریق تجارب، دنیای خویش را می سازند و سیستم بنیادین حیات خویش را توسعه می دهند (خاتون آبادی، ووق، ۱۳۷۱).

شوایتر (۱۳۷۱) به انعطاف پذیری عشایر تأکید دارد و معتقد است که انعطاف پذیری عشایر، بهترین شانس برای اتخاذ سیاست ها و تدابیر تجدید حیات عشایر ایران می باشد. عشایر ایران با شیوه های مختلفی به بازارهای جهانی تجاری شدن، ارتقای وضع موجود خویش، ملت و تقویت قدرت ملی و توسعه منابع محدود، صنعتی شدن و شهری گری پاسخ مثبت داده است. فرصت های جدید سرمایه گذاری، اشتغال و تجمع سرمایه که عشایر می توانند ایجاد کنند، اثرات قابل ملاحظه ای بر طبقه بندی اجتماعی در ایران خواهد داشت (گارت وایت، ۱۳۷۱).

بر اساس مطالعات و شاخص های اقتصادی به روایت بخشنده نصرت (۱۳۷۰) ما شاهد این واقعیت هستیم که جهت گیری های اقتصادی در کشور موجبات گسترش فقر را برای دامداران کوچنده فراهم آورده است. ایشان سازماندهی چند سطحی، مبتنی بر یک نظام سازماندهی منطقه ای و محلی گونه های معیشت کوچندگی را به منظور سازماندهی زندگی جماعات عشایری پیشنهاد می کند و معتقد است که مسایل عشایر کوچنده کشور ما مسأله کوچ و اسکان آنان نیست، بلکه مسأله تقسیم عادلانه ثروت در این سرزمین است. هماهنگی زندگی عشایری با توسعه زندگی شهرنشینی و روستانشینی یک ضرورت می باشد و با توجه به نقش جماعت عشایر از نظر آفند و پدافند ملی، تولید فرآورده های دامی و گوشت قرمز کشور و لزوم برخورداری عشایر از حقوق حقه خود به عنوان یک ایرانی باید در اندیشه تجدید حیات معیشت عشایر بود. در غیر این صورت، عشایر یکی پس از دیگری تن به کارهایی خواهند داد که علاوه بر ضرر و زیان ملی، بر مسایل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی نواحی شهری و روستایی نیز خواهند افزود. یا توجه به روند رو به تخریب مراتع و پذیرش این واقعیت که اسکان عشایر امری واقعی و درخور تفکر است، مهربانی در مطالعه ای، اهمیت مالکیت مراتع از نظر عشایر در آگاهی آنها از تخریب مراتع را نشان می دهد و توجه اهل فن را به حل مسایل مالکیت و مشارکت فعال و مسؤولانه عشایر، در میان تدابیری که برای آینده زندگی عشایر اندیشیده می شود، جلب می نماید (مهربانی، ۱۳۶۹).

مسأله اساسی عشایر از دیدگاه مردم شناسی این است که عشایر در مسیر تحول تاریخی به صورت قشری ضعیف و محروم از دستاوردهای تمدن جدید به زندگی سنتی خود ادامه داده اند. این قشر محروم را باید دریافت، اما چگونه؟ امان اللهی (۱۳۶۹)، در بررسی مردم شناسانه خویش، پاسخ را در تحول زندگی عشایر و بالا بردن سطح تولید و اتخاذ تدابیری در این راستا می یابد.

از بررسی پیشینه تحقیق، چنین استنباط می شود که تغییر و تحول در زندگی اقتصادی عشایر ایران یک ضرورت است و باید ابعاد اثباتی و هنجاری آن مورد شناسایی و علاقه علمی قرار گیرد و این رسالتی است که بر عهده پژوهشگران شاخه های مرتبط با اقتصاد عشایری می باشد.

۳. روش تحقیق

۳.۱. ابزار جمع آوری اطلاعات

این پژوهش با روش تحقیق پیمایشی،^۳ انجام و برای جمع آوری اطلاعات دو نوع پرسشنامه تنظیم گردید. پرسشنامه شماره ۱ تحت عنوان پرسشنامه روستا برای جمع آوری اطلاعات کلان روستا و پرسشنامه شماره ۲ با عنوان پرسشنامه خانوار و اطلاعات خود در سطح خانوارهای نمونه عشایر، تهیه گردید. پرسشنامه اخیر محور اساسی اخذ اطلاعات اولیه پژوهش حاضر را تشکیل می دهد. جهت تعیین اعتبار صوری،^۴ پرسشنامه ها به سه نفر از افراد مطلع در مطالعات عشایری ارایه و پس از اعمال اصلاحات لازم، پرسشنامه خانوار به عنوان مطالعه راهنما^۵ به وسیله سه نفر از عشایر که در نمونه آماری شرکت نداشتند، تکمیل گردید. پس از انجام اصلاحات لازم و حصول اطمینان از گویایی پرسش ها، پرسشنامه نهایی خانوار تنظیم گردید. پرسشنامه خانوار حاوی: ۱. پرسش های شناسایی و وضعیتی برای بیان ماهیت شرایط، وجود رابطه بین رویدادها و چگونگی وضعیت موجود؛ ۲. پرسش های دانشی و جهتی مبتنی بر تعیین نگرش خانوارهای عشایری پیرامون عمده مسایل حال و آینده زندگی عشایری و تغییر شیوه های تولید عمدتاً به صورت پرسش های بسته و لزوماً به صورت پرسش های باز بوده است.

۳.۲. جمعیت و نمونه آماری

جمعیت آماری این تحقیق را عشایر ایل جلالی مستقر در شمال غرب کشور، تشکیل می دهد. نمونه آماری بر اساس روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای (گروهی)^۶ و به کارگیری دستورالعمل حجم نمونه لازم در حالت نامشخص بودن واریانس جامعه آماری (مؤمنی ۷۸: ۱۳۸۰)، بنابر گروه بندی عام عشایر (خرده پا، میانحال و قوی) بر اساس عرف معمول در ایل، عمدتاً مبتنی بر مالکیت تعداد رأس دام، تعیین گردید. از این رو، نمونه مورد نظر از ۱۱۵ سرخانوار عشایری ایل جلالی تشکیل می شود. از این تعداد ۷۶ سرخانوار از گروه کوچرو الف؛ ۱۶ سرخانوار از گروه نیمه اسکان یافته ب؛ ۲۳ سرخانوار از گروه اسکان یافته ج؛ اجزای نمونه تحقیق را تشکیل می دهند.

۴. یافته های تحقیق

اطلاعات جمع آوری شده به رایانه داده شد و با استفاده از برنامه رایانه ای مرتبط (هزاروی، ۱۹۸۷) مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت و یافته های زیر با توجه به پرسش های اساسی پژوهش، حاصل آمد.

۴.۱. بررسی مقایسه ای برخی از مؤلفه های بنیان اقتصادی عشایری در گروه های مختلف آن

جهت مقایسه بنیان اقتصادی عشایر در گروه های مختلف آن و برای کسب اطلاع از بعد اثباتی ضرورت اسکان عشایر شناسایی عمده عوامل تولید عشایری و بررسی تطبیقی آن در گروه های عمده عشایر کوچرو الف، نیمه اسکان یافته ب، و اسکان یافته ج مورد توجه قرار گرفت. یافته های تحقیق در این رابطه عبارتند از:

۱- میانگین وسعت اراضی زیر کشت محصولات زراعی در گروه های سه گانه معیشت عشایری ۰/۲۹ هکتار در گروه الف، ۲/۷ هکتار در گروه ب ۳/۵۹ هکتار در گروه ج، نشان دهنده اختلاف معنی دار بین گروه های ب، الف و ج، الف می باشد. این مقایسه نشان می دهد که فعالیت های زراعی در گروه های نیمه اسکان و اسکان یافته از اهمیت بیشتری برخوردار می باشد.

۲- میانگین اراضی زیر کشت به تفکیک دو محصول یک ساله گندم و چند ساله یونجه، حاکی از آن است که در مورد گندم، میانگین کشت گندم به ترتیب ۰/۱۳ هکتار در گروه الف و ۰/۳۷ هکتار در گروه ب و ۰/۲۴ هکتار در گروه ج مورد محاسبه است. محاسبات آماری حکایت از آن دارد که اختلاف معنی داری در رابطه با وسعت زیر کشت گندم در گروه های سه گانه مورد مطالعه وجود ندارد. در مورد محصول چند ساله یونجه، میانگین اراضی زیر کشت آن در گروه الف، ۰/۱۶ هکتار؛ در گروه ب، ۲/۳۳ هکتار و در گروه ج، ۳/۴۴ هکتار مورد محاسبه می باشد. از مقایسه میانگین سطح زیر کشت یونجه استنباط می شود که میزان زیر کشت یونجه در گروه اسکان یافته بیشتر از نیمه اسکان و کوچرو می باشد. در این رابطه، اختلاف بین گروه اسکان یافته و کوچرو در سطح بالای اعتماد آماری می باشد.

- ۳- متوسط دام عشایری در ایل مورد مطالعه ۱۷۳ رأس می باشد و به تفکیک نوع دام، متوسط گوسفند ۱۳۹، بز ۳۱ و گاو ۴ رأس می باشد. به تفکیک گروه های عشایری، گروه نیمه اسکان با تعداد ۲۳۱ رأس دام در مقام مقایسه با گروه کوچرو با ۱۷۲ رأس و گروه اسکان یافته با ۱۳۷ رأس در جایگاه بالاتری قرار دارد.
- ۴- مقایسه درآمد ویژه دامداری در گروه های مختلف عشایری حاکی از آن است که بازیافت ویژه دامداری (درآمد منهای هزینه های متغیر)^۲ در گروه ب (نیمه اسکان) بالاتر از اسکان یافته و کوچرو می باشد (جدول ۱).
- ۵- مقایسه متوسط درآمد ویژه خانوار در گروه های مختلف عشایری حکایت از آن دارد که درآمد ویژه خانوار در گروه های عشایری نیمه اسکان و اسکان یافته تقریباً هم تراز و در حد قابل ملاحظه ای بالاتر از درآمد ویژه منفی گروه کوچرو می باشد (جدول ۱).
- ۶- محاسبات مربوط به هزینه های دامداری در گروه های مختلف عشایری نشان می دهد که هزینه دامداری با میزان ۳۵۵۷۸۰۰ ریال در کوچرو از گروه های نیمه اسکان و اسکان یافته به ترتیب با مقادیر ۲۷۲۳۸۷۵ ریال و ۱۷۵۸۷۴۰ ریال بالاتر است.

جدول ۱: نتایج آماری مقایسه دامداری و درآمد خانوار عشایر گروه های سه گانه معیشت عشایری
واحد پول: ریال

درآمد ویژه دامداری			
گروه الف			-۹۵۴۷۳۰ ± ۱۵۴۰۰۰
گروه ب			۱۸۴۰۷۱۰ ± ۳۳۵۶۸۰
گروه ج			۴۸۵۸۵۰ ± ۲۷۹۹۸۰
درآمد ویژه خانوار			
گروه الف			-۵۹۶۴۰۰ ± ۲۵۳۱۴۰
گروه ب			۴۴۰۴۷۰۰ ± ۵۵۰۰۰۰
گروه ج			۴۱۲۰۵۲۰ ± ۴۵۸۷۸۰
ب و الف	درآمد ویژه دامداری	F = ۵۷/۲۹	P = ۰/۰۰۱
	درآمد ویژه خانوار	F = ۶۸/۲۹	P = ۰/۰۰۱
ج و الف	درآمد ویژه دامداری	F = ۲۰/۳۲	P = ۰/۰۰۱
	درآمد ویژه خانوار	F = ۸۱/۱۴	P = ۰/۰۰۱
ب و ج	درآمد ویژه دامداری	F = ۹/۶۱	P = ۰/۰۰۲
	درآمد ویژه خانوار	F = ۰/۱۵	P = ۰/۶۹

بررسی آماری نشان داد که گروه بندی عشایری، عامل تعیین کننده ای برای تبیین اختلافات درآمدی بین خانوارهای عشایر در الگوهای مورد مطالعه موجود می باشد.

بررسی مقایسه ای گزیده ای از مؤلفه های بنیان تولید عشایر در گروه های عشایری مورد مطالعه، دلالت بر ضعف بنیان اقتصادی گروه کوچرو داشته و نشان دهنده این واقعیت است که از بعد ساختار اقتصادی، شیوه معیشت عشایری، کوچ، قابلیت دوام نداشته و الزاماً باید زمینه های تحول را در شیوه تولید عشایری فراهم ساخت (جدول ۲).

جدول ۲: مقایسه برخی از مؤلفه های بنیان تولید عشایری در گروه های مختلف آن

گزیده مؤلفه های بنیان تولید عشایری	کوچ در برابر نیمه اسکان	کوچ در برابر اسکان یافته	نیمه اسکان در برابر اسکان یافته
	ب - الف	ج - الف	ج - ب
وسعت اراضی	ب < الف ***	ج < الف ***	ج < ب —
محصولات زراعی	ب < الف —	ج < الف —	ج > ب —
وسعت اراضی زیرکشت گندم	ب < الف —	ج < الف ***	ج < ب —
وسعت اراضی زیرکشت یونجه	ب < الف —	ج < الف —	ج > ب —
متوسط دام عشایری	ب < الف —	ج < الف —	ج > ب —
متوسط تعداد گاو	ب < الف —	ج < الف —	ج > ب —
متوسط تعداد دام کوچک	ب < الف ***	ج < الف —	ج > ب —
متوسط تعداد گوسفند	ب < الف *	ج < الف —	ج > ب *
متوسط تعداد بز	ب < الف ***	ج < الف ***	ج > ب —
هزینه های دامداری	ب > الف —	ج > الف **	ج > ب —
درآمد ویژه خانوار	ب < الف ***	ج < الف ***	ج > ب —
درآمد ویژه دامداری	ب < الف ***	ج < الف ***	ج > ب ***

** اختلاف معنی دار در سطح ۱٪ با ۹۹٪ اطمینان

* اختلاف معنی دار در سطح ۵٪ با ۹۵٪ اطمینان

— اختلاف بدون سطح تضمین آماری

*** اختلاف معنی دار در سطح کمتر از ۱٪

۴.۲. بررسی نگرش خانوارهای گروه های عشایری، پیرامون مسایل مطروحه اقتصادی - اجتماعی

با توجه به بعد هنجاری و برداشت از توسعه، اطلاع از نگرش عشایر پیرامون عمده مسایل اجتماعی - اقتصادی، توسعه جامعه عشایری یک ضرورت مطالعاتی است. از این رو تعیین خطوط اساسی نگرش عشایر در الگوهای معیشت عشایری پیرامون مسایل اقتصاد عشایر، هدف عمده این بخش از تحقیق را تشکیل می دهد. اهم یافته های تحقیق در این رابطه به شرح زیر مورد آرایه می باشد:

۱- اکثریت قریب به اتفاق عشایر در الگوهای سه گانه معیشت ایلی (الف، ب، ج) (کوچرو، نیمه اسکان و اسکان یافته) نسبت بالای هزینه به درآمد را عامل بازدارنده توسعه زندگی عشایر می دانند (به ترتیب ۹۴، ۹۶ و ۹۶٪).

۲- اکثریت عشایر بر نابودی مراتع به وسیله چرای زودرس، چرای مفرط و عدم تکافوی مراتع از نظر ظرفیت، مهر تأیید می گذارند:

چرای زودرس: (۸۶، ۱۰۰ و ۱۰۰٪)

(الف ب ج)

چرای مفرط: (۸۴، ۹۴ و ۹۶٪)

(الف ب ج)

عدم تکافوی مراتع از نظر ظرفیت: (۸۶، ۱۰۰ و ۱۰۰٪)

(الف ب ج)

۳- بیش از نیمی از عشایر کوچرو و بالغ بر سه چهارم عشایر در الگوهای نیمه اسکان و اسکان یافته، مشخص نبودن حقوق عشایر در مراتع را مشکلی جدی برای ادامه زیست عشایر عنوان می نمایند (۷۵، ۵۷ و ۸۳٪).

۴- عشایر مورد مطالعه در الگوهای معیشتی نیمه اسکان و اسکان یافته، از اینکه عشایر در میان افراد جامعه مورد پذیرش نیستند اقرار کامل دارند، عشایر کوچرو چنین بیانی را تأیید نمی نمایند. دلیل عمده این طرز تلقی را می توان در ارتباط اندک آنان با گروه های دیگر جامعه توجیه نمود (۱۴، ۱۰۰ و ۷۸٪).

۵- عشایر کوچرو معیشت عشایری را مطابق پیشرفت زمان تشخیص نمی دهند، حال آنکه درصد اندکی از عشایر در الگوهای نیمه اسکان و اسکان یافته با نظر فوق موافق هستند. علت را می توان در تحرک اقتصادی و تلفیق تولید دامی با تولیدات صنایع دستی و خدمات تجاری در کنار ادامه معیشت و وابستگی ایلی دانست (۹۵، ۲۵ و ۱۳٪).

۶- عشایر کوچرو، زندگی عشایری آینده را با خطر نابودی پیش بینی می کنند، حال آنکه عشایر نیمه اسکان و اسکان یافته نظر ملایمتری را ارایه می دهند و اکثراً یا نظری نداشته و یا اینکه نسبت به آینده خوش بین هستند.

جدول ۳: آینده نگری زندگی عشایری (*)

نوع معیشت	در خطر است	خوب است	بدون نظر	اگر دولت حمایت کند آینده بهتری در انتظار هست
الگوی کوچرو (الف)	۹۷	۳	-	-
الگوی نیمه اسکان یافته (ب)	۳۱	۱۹	۵۰	-
الگوی اسکان یافته (ج)	۳۹	۲۶	۲۶	۹

* یافته های پژوهش حاضر

عشایر کوچرو بر شیوه معیشت نظر مثبتی ندارند، حال آنکه عشایر نیمه اسکان یافته و اسکان یافته وجود آب و هوای خوب و سازگاری با دام را از محاسن زندگی ایلی عنوان می کنند.

جدول ۴: محاسن زندگی عشایری از دیدگاه مصاحبه شوندگان (*)

محاسن	پاسخ گروه های سه گانه معیشت عشایری به درصد		
	کوچرو (الف)	نیمه اسکان یافته (ب)	اسکان یافته (ج)
وجود آب و هوای خوب	۳	۸۸	۵۲
سازگاری با دام	۹	۱۲	-
محاسنی ندارد	۶۷	-	-
سایر موارد	۲۱	-	-
بدون نظر	-	-	۴۸

* یافته های پژوهش حاضر

۷- عشایر نیمه اسکان یافته و اسکان یافته به تغییر در شیوه معیشت نظر منفی داشته ولی حدود نیمی از عشایر کوچرو به تغییر در شیوه معیشت ایلی نظر مثبتی ارایه می دهند، اما با تصور اینکه وابستگی ایلی خود را از دست بدهند کاملاً مخالفند.

جدول ۵: تغییر در شیوه معیشت عشایر از دیدگاه مصاحبه شونده (*) درصد

گروه های معیشت عشایری	تمایل کامل	عدم تمایل	حالت خنثی
کوچرو	۴۷	۲۱	۳۲
نیمه اسکان یافته	۶	۷۵	۱۹
اسکان یافته	-	۷۰	۳۰

* یافته های پژوهش حاضر

۸- اکثر عشایر کوچرو وضع کسانی را که ترک معیشت عشایری کرده اند خوب قضاوت می کنند، در حالی که چنین نظر قاطعی در مورد عشایر نیمه اسکان یافته و اسکان یافته ملاحظه نمی شود. بیش از ثلث عشایر مورد مصاحبه، نیمه اسکان و اسکان یافته، بر این عقیده هستند که، آن گروهی که معیشت عشایری را کلاً ترک کرده و وابستگی ایلی را نفی کرده اند، آواره شده اند.

جدول ۶: دیدگاه های عشایر در مورد ارزیابی وضعیت آنانی که ترک معیشت عشایری کرده اند (*)

بدون نظر	آواره شده اند	وضع خوبی پیدا کرده اند	دیدگاه ها	
			نوع معیشت	
-	۱۴	۸۶	الگوی کوچرو (الف)	
۱۲	۴۴	۴۴	الگوی نیمه اسکان یافته (ب)	
۲۲	۳۹	۳۹	الگوی اسکان یافته (ج)	

* یافته های پژوهش حاضر

۹- اکثریت عشایر اسکان و نیمه اسکان یافته و حدود دو سوم عشایر کوچرو، عقیده بر ادامه زندگی عشایری به وسیله فرزندان را دارند (۶۸، ۸۸ و ۱۰۰٪).

۱۰- عشایر نیمه اسکان یافته به طور عمده شغل دامداری را برای فرزندان خود آرزو می کنند. عشایر اسکان یافته، شغل دامداری توأم با تحصیل دانش را برای نسل آینده انتظار می کنند. عشایر کوچرو ضمن اینکه به تحصیل فرزندان خود علاقمندند، نسبت به آینده زندگی فرزندان خود با ابهام می نگرند و لزوماً مورد مشخصی را معلوم نمی دارند.

۳.۴. بررسی نگرش خانوارهای گروه های عشایر در پیرامون تغییر و تحول شیوه تولید عشایری

نظرسنجی عشایر در ایران پیرامون تغییر و تحول در شیوه تولید عشایر حاوی نکات زیر می باشد:

۱- بالغ بر ۳/۴ عشایر نیمه اسکان یافته و نزدیک به یک سوم از عشایر کوچرو توسعه دامداری را در دامنه ترجیحات سرمایه گذاری اولویت داده اند. عشایر اسکان یافته در برنامه های سرمایه گذاری تلفیقی در دامداری و قالیبافی را وزن داده اند. حدود دو سوم عشایر کوچرو تصویر مشخصی نسبت به سرمایه گذاری در آینده نداشته اند (جدول ۷).

جدول ۷: دامنه ترجیحات سرمایه گذاری خانوارهای عشایری مورد مصاحبه (*) درصد

بدون پاسخ	سایر موارد	خرید وسایط نقلیه باری	دامداری و قالیبافی	توسعه دامداری	دیدگاه ها	
					نوع معیشت	
۱۰	۵۷	۴	-	۲۹	کوچرو	
-	۱۲	-	۱۳	۷۵	نیمه اسکان یافته	
-	-	۴	۳۹	۵۷	اسکان یافته	

* یافته های پژوهش حاضر

۲- اکثریت عشایر کوچرو نسبت به جایگزینی کشاورزی (تلفیق زراعت و دامپروری) با روش های جدید نظر مثبتی ارایه می دهند. نظریه مثبت عشایر نیمه اسکان و اسکان یافته در این مورد با تکرار کمتری مشاهده می شود (۴۸، ۵۰، ۸۹).

۳- اکثریت عشایر کوچرو به لحاظ پیدا کردن شقی برای رهایی از شیوه معیشت ایلی، البته نه گسیختن وابستگی ایلی نظر مثبتی را در همراهی با طرح های اقتصادی در شاخه هایی مثل کشت و صنعت، مرغداری، پرورش ماهی، قالیبافی و زنبورداری ارایه می دهند. حال آنکه عشایر نیمه اسکان یافته و اسکان یافته تمایل چندانی به همکاری در

طرح های متنوع اقتصادی ندارند. استثنا در این مورد فعالیت قالبیافی است که به خصوص اسکان یافتگان علاقه مندی خود را به این شاخه از فعالیت های تولیدی نشان می دهند (جدول ۸).

جدول ۸: برتری نسبی تمایل عشایر در ارتباط با همراهی در طرح های اقتصادی (* درصد)

نوع معیشت	معیشت کوچرو	معیشت نیمه اسکان	معیشت اسکان یافته
طرح های پیشنهادی	الف	ب	ج
کشت و صنعت	۹۶	۳۱	۲۲
پرورش ماهی	۸۴	۶	۹
قالبیافی	۸۴	۲۵	۶۵
زنبورداری	۸۶	-	-
مرغداری	۸۷	۳۱	۲۶

* یافته های پژوهش حاضر

۴- در مورد تمایل در عضویت مجتمع های تولیدی چند منظوره به ترتیب عشایر کوچرو با ۹۹٪، عشایر نیمه اسکان یافته با ۶۹٪ و عشایر اسکان یافته با ۳۹٪ اظهار علاقه کرده اند.

۵. نتیجه گیری

عشایر بخشی از نظام فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی ایران به شمار می آیند که بهبود زندگی اقتصادی آنان به توسعه همه جانبه ناحیه ای، منطقه ای و ملی، یاری می رساند. انجام هر حرکت و تحول در راستای بهبود وضعیت جامعه عشایری، مستلزم شناخت و آگاهی نسبت به وضعیت موجود این جامعه است. بررسی وضع موجود و ویژگی های جمعیتی و اقتصادی عشایر براساس الگوهای سه گانه شکل گیری معیشت عشایری (کوچرو، نیمه اسکان و اسکان یافته) و مقایسه شاخص ها و مؤلفه های مرتبط با بنیان اقتصاد عشایر در الگوهای یاد شده در قالب یک مطالعه موردی در یکی از ایلات غالب شمال غرب کشور (ایل جلالی) و همچنین سنجش نگرش خانوارهای نمونه عشایر ایل مورد مطالعه در هر یک از گروه های عشایری اعم از کوچرو، نیمه اسکان و اسکان یافته در پیرامون مسایل حال و آینده معیشت عشایری با تأکید بر تحول در بنیان تولید و اقتصاد عشایر، عمده اهداف مطالعه حاضر را تشکیل می دهد.

عمده یافته های پژوهش حاکی از آن است که رابطه ها و نسبت های اقتصادی به صورت تطبیقی در الگوهای غالب زندگی عشایری (کوچرو، نیمه اسکان و اسکان یافته)، ضعف نسبی قابل ملاحظه و عشایر کوچرو را در مقام مقایسه با سایر گروه ها نشان می دهد. بررسی نگرش های عشایر در گروه های سه گانه عشایری، حکایت از تأیید عدم توجیه اقتصادی بهره برداری های عشایری، مدیریت ناکارای مرتع، مشخص نبودن حقوق عشایر در مراتع، عدم درک و به رسمیت شناختن خصوصیات فرهنگی عشایر به وسیله افراد جامعه، نگرش منفی نسبت به روند آتی زندگی عشایر، نگرش نه چندان مثبت نسبت به تغییر شیوه معیشت و به خصوص عدم پذیرش گسیختگی از وابستگی ایلی، عجین بودن با فعالیت دامداری و عدم علاقه در رها کردن آن، حتی برای نسل های آینده خود، علاقه وافر به توسعه دامداری در دامنه ترجیحات سرمایه گذاری، آمادگی برای تحول و تنوع فعالیت های تولید دامی، ترجیحا غیر مرتبط با مرتع از طریق ادغام دامداری - کشاورزی و ترویج صنایع تبدیلی دامی، اعمال اصل انعطاف پذیری در طرح های توسعه عشایر و ضرورت حمایت نهادها و مؤسسات اجتماعی به ویژه دولت از چنین فراگردی، نکات ملهم از اندیشه و پنداشته های خانوارهای عشایر مورد مطالعه می باشد.

تحقیق حاضر نشان می دهد که برنامه ریزی توسعه زندگی عشایر یک ضرورت است. عشایر به تدریج دریافته اند که جایجا شدن، کوچندگی دایمی با رمه و گله موجبات برخوردار نشدن از امکانات لازم و کافی اقتصادی، رفاهی و زیستی خواهد شد. در نتیجه تغییر شیوه معیشت در این قلمرو زیستی از حالت دامداری کوچندگی به نیمه کوچندگی

و رمه گردانی گرایش یافته است. مبنای زندگی اقتصادی انسان مادام که از یک تحول فن آوری برخوردار نگردد و عوامل فن آوری: انسان ابزار، فن ابزار، نهاد ابزار و اطلاعات ابزار در راستای تحول قرار نگیرد، نمی توان آن را یکباره دگرگون ساخت.

براساس هر گونه برنامه ریزی در جهت تغییر معیشت، تحول تولید و درآمد، باید از شرایط طبیعی، عرف و باورهای جامعه و زمینه تحول با توجه به پیشرفت زمان، شرایط حاکم سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی الهام گرفت. این تغییر در صورتی موجه است که با تغییر شیوه تولید غیروابسته با مرتع همراه باشد و به منظور دامپروری در جهت تولید بیشتر طراحی گردد. در غیر این صورت به فقر بیشتر جامعه عشایر منتهی شده و موجبات عدم خشنودی آنان را فراهم خواهد ساخت.

یادداشت ها

1. Action research
2. Tacit and explicit knowledge
3. Survey research
4. Face validity
5. Pilot study
6. Stratified random sampling
7. Gross margin

منابع

الف: فارسی

- احتشامی، لطف اله. (۱۳۷۱). *اسکان سیاسی - اقتصادی (صنعتی)*، فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، شماره ۱۹، تابستان، ۵۳.
- امان اللهی، اسکندر. (۱۳۶۹). *مسائل و مشکلات کوچ نشینان (عشایر) از دیدگاه مردم شناسی*، مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر، تهران: سازمان امور عشایر ایران، ۵۹۹-۵۸۹.
- اسکندری نیا، ابراهیم. (۱۳۶۶). *ساختار سازمان ایلات و شیوه معیشت عشایر آذربایجان غربی*، ارومیه: انتشارات انزلی.
- بخشنده نصرت، عباس. (۱۳۶۹). *برنامه ریزی توسعه زندگی عشایر از دیدگاه فضایی*، مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر ایران، تهران: سازمان امور عشایر ایران، ۴۴-۱۸.
- سازمان امور عشایر ایران. (۱۳۷۲). *بیانیه و پیام های کنفرانس بین المللی عشایر و توسعه*، شهر کرد.
- شیخی، محمدتقی. (۱۳۶۹). *آینده نگری و جایگاه عشایر ایران*، مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر، تهران: سازمان امور عشایر ایران، ۶۴۵-۶۳۸.
- چلبی، مسعود و عبداللهی، محمد. (۱۳۷۱). *اسکان عشایر از دیدگاه جامعه شناسی توسعه*، برنامه و توسعه مؤسسه عالی در برنامه ریزی و توسعه، ۲، ۱، بهار، ۷۵-۵۱.
- صفری، اسکندر. (۱۳۶۹). *بحران در شیوه تولید عشایری و ضرورت ایجاد تحولات همه جانبه در آن*، مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر، تهران: سازمان امور عشایر ایران، ۱۹۸-۱۸۹.

- قنبری، علی. (۱۳۶۷). بهره وری در نظام دامداری عشایری، فصلنامه عشایری انقلاب، شماره ۵، ۷۶ - ۵۷.
- کیاوند، عزیز. (۱۳۶۹). تغییر به جای کوچ، تحول به جای اسکان، مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر، تهران: سازمان امور عشایر ایران، ۱۶۷-۱۵۵.
- کیاوند، عزیز. (۱۳۷۱). بحران و تحول اقتصاد عشایری ایران، فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، شماره ۱۹، تابستان، ۸۴.
- منصوری، مسعود. (۱۳۷۱). اقتصاد عشایری شمال غرب کشور آذربایجان غربی، گزارش طرح تحقیقاتی، ارومیه: انتشارات حوزه معاونت پژوهشی دانشگاه ارومیه.
- مهرابی، علی اکبر. (۱۳۶۹). اسکان عشایر و مسأله مرتع، مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر، تهران: سازمان امور عشایر ایران، ۹۳ - ۸۱.
- مؤمنی، منصور. (۱۳۸۰). برخی از اشتباهات آماری در پژوهش های مدیریت، فصلنامه مدیریت و توسعه مؤسسه تحقیقات و آموزش مدیریت وزارت نیرو، ۲، ۱، بهار، ۸۰ - ۷۵.
- نجفی، بهاءالدین. (۱۳۶۹). عشایر و مسأله بهره برداری نامطلوب از مراتع، مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر، تهران: سازمان امور عشایر ایران، ۴۸۵ - ۴۶۷.

ب: انگلیسی

- Ehlers, E. (1980). *IRAN, Grundzuege Einer Geographischen Landeskunde, Wissenschaftliche Buchgesellschaft Darmstadt*, s, 251-271.
- Emadi, M.H., and Bawden, R., and Fisher, R.J.(1992). *Action Research as an Approach to Research and Development among Iranian Nomads, Zakhayer – e Enghelab*, 19, 35.
- Harvey, W.R. (1987). *Mixed Model Least Squares and Maximum Likelihood*, Computer Program PC – 1.
- Khatoonabadi, A., and Voog, R. (1992). *Tacit and Explicit Knowledge: Their Application to Nomadic Pastoral Development, Zakhayer-e Enghelab*, 19, 40-41.
- Garthwaite, G. R. (1992). *Does Pastoral Nomadism Have a Future in Iran, Zakhayer-e Enghelab*, 19, 36-37.
- Schweizer, G. (1992). *Types of Traditional Mountain Nomadism in Iran: Flexibility as a Chance for Development, Zakhayer-e Eaghelab*, 19, 63-64.